



چه کسی امام حسین (علیه السلام) را کفن و دفن کرد؟!

## چه کسی امام حسین علیه السلام را کفن و دفن کرد؟!

عصر عاشورای سال شصت و یک هجری قمری، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام سپاهیان عمر بن سعد، لباس‌های آن حضرت را از تنش بیرون کشیدند و به غارت بردند. بعد از آن به خیمه‌های اهل حرم حمله کردند و اموال آن‌ها را غارت کردند و خیمه‌ها را آتش زدند. بعد سر امام حسین علیه السلام از بدن مبارک‌شان جدا شد و در نهایت به دستور عمر بن سعد بر بدن پاک امام و یارانش اسب دوآندند تا استخوان‌هاشان خورد بشود! اهل حرم امام، بدون این‌که فرصت به خاک سپردن شهدای کربلا را داشته باشند به همراه سپاهیان عمر بن سعد به سمت شام حرکت کردند و بدن‌های قطعه‌قطعه و خون‌آلود امام و یارانش روی زمین باقی ماند.

در آن زمان در نزدیکی کربلا روستایی وجود داشت به اسم «غاضریه» که تعدادی از طایفه بنی‌اسد آن‌جا زندگی می‌کردند. گفته شده بعد از واقعه کربلا، مردان روستایی غاضریه به اصرار همسرانشان به جایی که پیکر بی‌جان امام حسین علیه السلام و یارانش بود آمدند و بر پیکر مطهر امام و یارانش نماز خواندند و آن‌ها را به خاک سپردند.

اما یک سؤال خیلی مهم وجود دارد مردانی که حتی یک نفرشان در کربلا حاضر نبود، چطور بدون داشتن راهنما توانستند جسد‌های تکه‌تکه و بدون سر شهدای کربلا را شناسایی کنند؟

چطور توانستند پیکر بدون سر امام حسین علیه‌السلام و بدن پاره‌پاره حضرت عباس علیه‌السلام را از پیکر بدون سر بقیه شهداء جدا کنند؟

باید بگم به غیر از حربن ریاحی هیچ کدوم از شهدای کربلا سر بر بدن نداشتند و این موضوع کار شناسایی شهدای کربلا را غیرممکن کرده بود. از طرف دیگر بنا بر نظر شیعیان فقط یک امام می‌تواند بر پیکر بی‌جان امام قبل از خودش نماز بخواند و آن را دفن کند. بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام مقام امامت به فرزندشان امام سجاد علیه‌السلام رسید. با توجه به چیزهایی که گفتیم امام سجاد علیه‌السلام که تو واقعه کربلا به‌خاطر بیماری تو جهاد شرکت نکرد، باید بر پیکر امام حسین علیه‌السلام نماز خوانده باشد و امام را دفن کرده باشد.

ولی چطور؟

ایشان تو روز یازدهم محرم به وسیله سپاهیان عمر بن سعد در حالی که از بیماری رنج می‌برد به کوفه منتقل شد.

توی روایات آمده: «روزی علی بن ابی حمزه پیش امام رضا علیه السلام می‌رود و به امام رضا علیه السلام می‌گوید؛ برای ما از پدرانت نقل شده است که دفن امام و فقط امامی مثل خودش می‌تواند انجام بدهد! امام رضا علیه السلام جواب داد: به من بگویند آیا حسین بن علی علیهما السلام امام بود یا نه؟»

علی بن ابی حمزه گفت: بله! امام بود.

حضرت گفت: چه کسی او را به خاک سپرد؟

علی بن ابی حمزه جواب داد؛ علی بن الحسین علیهما السلام. امام پرسید: علی بن الحسین علیهما السلام کجا بود؟

علی بن ابی حمزه گفت: توی کوفه اسیر بود و ادامه داد علی بن الحسین علیهما السلام از بین اسیران بیرون رفت بدون آن که کسی بفهمد! کارهای به خاک سپاری پدرش را انجام داد و بعد برگشت.»

همین‌طور امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «روزی همسر پیامبرمان ام‌سلمه گریان از خواب بیدار شد، از او پرسیدم برای چی گریه می‌کنی؟ گفت: امام حسین علیه السلام دیشب کشته شد.»

ام‌سلمه ادامه داد پیامبرمان را از زمان فوتشان در خواب ندیده بودم تا اینکه دیشب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را پریشان و ناراحت توی خواب دیدم. تو خواب از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدم چی شده؟

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت: امشب تمام وقت قبرهایی برای امام حسین علیه السلام و یارانش آماده می‌کردم.»

ابن شهر آشوب مازندرانی هم می گوید: «ساکنین غاضریه که از قبیله بنی اسد بودند پیکرهای حسین علیه السلام و یارانش را، یک روز بعد از شهادتشان به خاک سپردند درحالی که برای بیشترشان از قبل قبرهایی آماده شده بود و پرنده‌های سفیدی کنار قبرها دیده می شدند.»

علامه مجلسی هم می گوید: «ظاهراً به نظر میاد که افراد قبیله بنی اسد که تو غاضریه زندگی می کردند امام حسین علیه السلام را به خاک سپردند. ولی در حقیقت امام را کسی به غیر از امام نمی تواند دفن کند. حضرت امام زین العابدین علیه السلام به اعجاز امامت آمد، جسد مطهر پدرش و سایر شهدا را دفن کرد.»

همین طور سید عبدالرزاق مَقَرَّم در کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» می گوید: «مردمان بنی اسد در دفن شهدای کربلا گیج و سرگردان بودند برای این که کوفیان بین سرها و بدن‌های شهداء جدایی انداخته بودند و بدن‌ها قابل شناسایی نبود در این لحظه، امام سجاد علیه السلام به کربلا تشریف آوردند و آن‌ها را تو انجام این کار مهم کمک کرده‌اند.»

ابن شهاب زُهری می‌گوید: «امام سجاد علیه‌السلام را دیدم که مأموران عبدالله بن مروان ایشان را از مدینه به شام می‌بردند. عبدالله دستور داده بود امام علیه‌السلام را با زنجیر ببندند و نگهبان‌های زیادی با تجهیزات کامل برای مراقبت از امام گذاشته بودند. من از آن‌ها اجازه گرفتم تا چند لحظه با امام صحبت کنم امام را با زنجیر بسته بودند، وقتی امام را دیدم گریه‌ام گرفت و گفتم: ای کاش من جای شما بودم!

امام فرمود: فکر می‌کنی این چیزها من را ناراحت می‌کند؟

اگر بخواهم هیچ‌کدام از این‌ها وجود نخواهد داشت. دلیل صبر من این است که تو و امثال تو خردار شوند و خودم هم می‌خواهم این‌ها مرا به یاد عذاب خدا بی‌اندازند.

بعد به راحتی دست و پاهایش را از زنجیرها آزاد کرد و فرمود: با این‌ها فقط تا دو منزلگاه دیگر خواهم بود و پس از آن دیگر با آن‌ها نخواهم بود. بعد از رسیدن به منزلگاه دوم امام از نظرها ناپدید شد نگهبان‌های امام به مدینه برگشتن و دنبال امام می‌گشتند، ولی ایشان را پیدا نمی‌کردند.

آن‌ها از من هم بازجویی کردن و یکی‌شان به من گفت: ما امام را جلوی خودمان می‌دیدیم و همگی از پشت مراقبش بودیم، ایشان پیاده شد و همه ما دور و ورش بودیم یک لحظه هم ازش غافل نشدیم و خوابیدیم، ولی صبح که شد دیگر امام را ندیدیم و فقط غل و زنجیرهایش به‌جا مانده بود.»

با توجه به روایاتی که گفتیم و از آن‌جا که در آیهٔ چهل سوره نمل آمده که یکی از دوستان حضرت سلیمان به اسم اَصْفَبْنِ بَرخیا توانست تخت سلیمان را در چشم به‌هم زدنی حاضر کند. نتیجه می‌گیریم که امام سجاد علیه‌السلام با طی‌الارض توانستند خودشان را دوباره به صحرای خونین کربلا برسانند و با کمک ساکنین روستای غاضریه شهداء را دفن کنند ولی ساکنین قاضریه متوجه حضور ایشان نشدند. آیا این‌که آن‌ها امام سجاد علیه‌السلام را دیدند ولی ایشان را نشناختند.



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir